

The Place of Polygraph in Iran's Criminal Evidence System

Mirreza Salimi*

PhD Student in Criminal Law and Criminology,
Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

Rajab Goldust Jouybari

Assistant Professor in Criminal Law and
Criminology, Shahid Beheshti University, Tehran,
Iran

Abstract

In recent years, utilizing polygraph technology has drawn the attention of some legal systems in the world. However, some individuals have refused to accept it by arguing that using this technology is in conflict with the defendant's right to remain silent, which violates human dignity and interferes with people's privacy. Despite the proposed disadvantages and the existing challenges in this area, polygraphs can be regarded as scientific evidence to prove the culpability or innocence of the defendant, and by amending the law, it can be considered as another legal evidence to prove a criminal case. In addition, by taking into account the system of spiritual reasons, the legal authorities operate actively in obtaining legal evidence and use whatever reason that makes them certain about a case (even if they contradict legal evidence) and bases their decision-making process on such evidence. Polygraph results can serve as supporting evidence or substantial evidence to offer a judge the necessary information to issue the right verdict, and thus, by evaluating other proofs, it can determine their precision and validity to systematize them to help the judicial authorities with making the right decision.

Keywords: Polygraph, Scientific Evidence, Judge's Knowledge, Conscience satisfaction of a Judge.

* Corresponding Author: mirrezasalimi@yahoo.com


How to Cite: Salimi, M., & Goldoust jouybari, R. (2021). The Place of Polygraph in Iran's Criminal Evidence System. *Journal of Criminal Law Research*, 10(37), 65-100. doi: 10.22054/jclr.2021.52672.2124

جایگاه پلی گرافی در نظام ادله کیفری ایران

دانشجوی دکتری رشته حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

میررضا سلیمی * 

دانشیار حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

رجب گلدوست جویباری 

چکیده

طی سال‌های اخیر استفاده از فناوری دروغ‌سنجی مورد توجه برخی نظام‌های حقوقی در جهان قرار گرفته است. هر چند عده‌ای با این استدلال که بکارگیری این فناوری با حق سکوت متهم در تعارض است و کرامت انسانی را مخدوش نموده و حریم خصوصی افراد را زایل می‌کند آن را نپذیرفته‌اند، علیرغم ایرادات و چالش‌های موجود در این زمینه، می‌توان پلی گرافی را به عنوان یک دلیل علمی به منظور اثبات مجرمیت یا برائت متهم مورد عنایت قرار داد و با اصلاح قانون آن را در شمار دیگر ادله قانونی اثبات دعوی کیفری قلمداد کرد. همچنین، در صورت پیروی از نظام دلایل معنوی، از آنجا که مقام قضایی در تحصیل دلیل کیفری فعال عمل می‌کند و هر آنچه او را به قطع و یقین برساند ولو مخالف با دلایل قانونی باشد، مبنای تصمیم‌گیری او واقع می‌شود، یافته‌های حاصل از پلی گرافی می‌تواند به عنوان قرینه یا مستند بین در حصول علم برای قاضی عمل کنند و به این نحو با ارزیابی سایر دلایل صحت و سقم آنها را معین نموده تا با مکانیزه کردن آنها مقام قضایی را در اتخاذ تصمیمی صحیح یاری نماید.

کلیدواژه‌ها: پلی گرافی، ادله علمی، علم قاضی، اقتناع وجدانی قاضی.

مقدمه

صرف ارتکاب یک عمل مجرمانه مجوزی برای مجریان قانون نیست تا بتوانند از یک سو با اتخاذ یک ضمانت اجرای کیفری مرتکب را به سزای عملش رسانده و از سوی دیگر با این ترفند به برقراری مجدد نظم و تثبیت حقوق جامعه کمک نمایند. لذا ضروری است دلایلی علیه فرد مظنون یا متهم و له شاکی یا مدعی خصوصی باشند تا مرجع قضایی بتواند با لحاظ آن رسالت خطیر خود را به نحو صحیح انجام دهد. در برهه‌ای از زمان ادله اثبات دعوی کیفری تنها محصور به تعداد مشخصی بودند که در قوانین مورد تصریح قرار گرفته بودند. به مرور زمان و با پیشرفت علم که به پیچیده‌تر شدن جرایم ارتكابی منتهی شد، ضرورت بکارگیری دلایلی جدید بیش از پیش ملموس شد. چنانکه انریکو فری معتقد بود در آینده به تدریج، نظام ادله سنتی جای خود را به نظام ادله علمی خواهد داد (طاهری بجد، ۱۳۸۳: ۸۵). از سوی دیگر، اصل آزادی تحصیل دلیل مشروط به قانونی بودن خود دلیل و شیوه اکتساب آن در امور کیفری، ضرورت بکارگیری ادله نوین را به وضوح نمایان ساخت و به توسعه محدوده دلایل اثبات دعوا دامن زد. با پیشرفت علوم در حوزه‌های گوناگون زندگی بشر، تحوّل شگرف در نظام ادله اثبات دعوا نیز صورت گرفت و فضا برای توجه بیشتر به نظام دلایل معنوی هموارگردید. این نظام مقامات قضایی را بر آن می‌دارد که از هیچ کوششی فروگذار نکرده و هر نشانه و قرینه‌ای را که بتواند به آنها در راستای کشف واقع و تحصیل حقیقت یاری رساند به منزله دلیل تلقی نمایند. در دهه‌های اخیر استفاده از دستگاه‌های دروغ‌سنجی در برخی کشورها متداول شده است. تحقیقات در مورد این دستگاه‌ها از دهه‌های پایانی قرن بیستم اوج گرفته و کشورهای آمریکا، کانادا، ژاپن و رژیم صهیونیستی در استفاده از انواع روش‌های دروغ‌سنجی پیشتاز هستند. در این کشورها حتی انجمن‌ها و دانشکده‌های آموزش دروغ‌سنجی نیز تأسیس شده‌اند (ابوطالبی، ۱۳۸۵: ۲۲). فناوری‌های دروغ‌سنجی که مبتنی بر یک یا چند واکنش فیزیولوژیک بدن انسان در لحظه دروغ‌گویی هستند، همچنان از پروژه‌های مفتوح جهان بوده و سیستم‌های امنیتی-نظامی و مراکز پژوهشی به دنبال ساخت، ارتقاء و بهره‌مندی از این روش‌ها هستند (آقابابایی و

احمدی ناطور، ۱۳۹۱: ۸) و شمار زیادی از سازمان‌های دولتی کشورهای جهان مانند وزارت دفاع، وزارت امنیت کشور، گمرک و حفاظت از مرز و نیز وزارت انرژی معمولاً برای غربالگری کارمندان و متقاضیان موقعیت‌های حساس از دروغ‌سنج استفاده می‌کنند. همچنین، در بسیاری از کشورها از آن به عنوان وسیله‌ای کمکی جهت کشف جرم استفاده می‌کنند. در سیستم‌های امنیتی-نظامی یا در آزمون‌های پیش از استخدام شرکت‌های بزرگ نیز از آن استفاده می‌شود (ابوطالبی، ۱۳۸۵: ۲۶).

نخستین باری که در جهان دروغ‌سنج مورد توجه قرار گرفت در سال ۱۹۲۳ میلادی در پرونده Fry در برابر ایالات متحده بود. متهم که به اتهام قتل عمد تحت محاکمه بود به عنوان دلیل به نتایج حاصل از آزمایش فشار خون سیستمولیک مارستون متوسل شد تا بی‌گناهی خود را به اثبات برساند و دادگاه بدوی از پذیرش تئوری ارائه‌شده مارستون به منظور اثبات ادعای متهم خودداری کرد. دادگاه تجدیدنظر هم عیناً رأی دادگاه بدوی را تأیید کرد. ده سال بعد در سال ۱۹۳۳ میلادی دادگاه عالی ویسکانسین در پرونده دولت علیه بوهرنر مجدداً با این سؤال روبرو شد که آیا نتایج حاصل از آزمون دروغ‌سنجی به عنوان دلیل قابل پذیرش خواهند بود یا نه. در این پرونده متهم پیشنهاد داد تا برای اثبات بی‌گناهی خود از اتهام سرقت از آزمون دروغ‌سنجی استفاده کنند، حال آنکه دادگاه بدوی نتایج را قابل پذیرش ندانست ولی این بار تصمیم این دادگاه مقبول طبع قضات دادگاه تجدیدنظر قرار نگرفت و بدین گونه بود که این آزمون با استقبال مقامات قضایی مواجه گردید (John E.Reid, 1954: 37).

مترقی‌ترین گروه از حقوقدانان که نتایج پلی‌گرافی را مورد توجه قرار دادند قضات دادگاه شیکاگو بودند. طی بیست سال گذشته حداقل ۲۵ نفر از دادرسان دادگاه‌های شیکاگو مرتباً نتایج آزمون دروغ‌سنجی را به عنوان دلیل در امور کیفری، شبه‌جنایی و مدنی پذیرفته‌اند. مواردی که آنها عمدتاً در آن به پلی‌گرافی به عنوان دلیل متوسل می‌شوند مواردی هستند که در آنها هیچ دلیل دیگری جز شهادت متناقض طرفین وجود ندارد، مواردی که در آن عدالت به بهترین وجه ممکن با توسل به دلیل دروغ‌سنجی محقق می‌شود. اگر طرفین موافق باشند تا در معرض این آزمون قرار گیرند دادگاه متخصص آزمون دروغ‌سنجی

را تعیین می‌کند و پس از پرداخت هزینه، استفاده از آن ممکن می‌شود. پس از اتمام آزمون، گزارش به صورت محرمانه به قاضی ارسال می‌شود تا بعد از تأمل و مشورت تصمیم لازم را اتخاذ نماید (John E.Reid, 1954: 39).

در برخی دادگاه‌های ایالات متحده نتایج پلی‌گرافی به عنوان یک دلیل قانونی پذیرفته شده است. موارد و نمونه‌هایی هستند که در آنجا دادگاه‌ها آزمون پلی‌گرافی را به رسمیت شناخته و مورد استفاده قرار می‌دهند تا بتوانند تصمیمی شایسته بگیرند. در ایالات متحده از میان ۲۳ ایالت، یازده ایالت سعی در وضع قانونی دارند تا مجوزی را به پلی‌گرافیست‌ها برای اجرای نوع خاصی از آزمون دروغ‌سنجی اعطا کنند. استفاده از پلی‌گراف در کشورهای چون کانادا یا کشورهای اروپایی مانند فرانسه، آلمان و انگلیس رایج است. بخش ۴۵ قانون ادله اثبات دعوا در هند به اندازه کافی گویای پذیرش این دلیل است (Ganapati M. (Tarase, Prakash D. Haveripeth & M. S. Ramadurg, 2013: 14).

پرسش پژوهش این است که آیا این فرآیند می‌تواند به عنوان یکی از دلایل علمی در راستای اثبات یا رد دعوی کیفری پذیرفته شود؟ آیا از ابتدا تا انتهای فرآیند دادرسی کیفری می‌توان به نتایج حاصل از آن بها داد و آن را به مثابه مستمسکی در راستای کشف جرم در مرحله تحقیقات مقدماتی یا رسیدگی و صدور رأی قرار داد؟ از طرفی دیگر آیا می‌توان از پلی‌گرافی استفاده ابزاری کرد و با هدف سنجش صحت اظهارات و ادعاهای بزهکار و بزه‌دیده و شاهدان آن را بکار برد تا بدین ترتیب گامی در جهت مکانیزه نمودن دلایل سنتی اثبات دعوا نظیر اقرار، سوگند و شهادت برداشت؟

۱. مفهوم و پیشینه پلی‌گرافی

واژه پلی‌گراف به لحاظ لغوی به معنی ترسیم‌های متعدد است و هنگام استفاده از این وسیله، قلمی در راستای صفحه، تغییرات واکنش‌های روانی افراد را به صورت نمودار ترسیم می‌کند (رستمی تبریزی، ۱۳۸۸: ۱۴۶). پلی‌گرافی فرآیندی است که با استفاده از آن می‌توان صحت سخنان افراد را بررسی نمود و دروغ آنها را برملا کرد. وسیله مورد استفاده در این روش می‌تواند با بررسی الگوهای تنفسی، واکنشهای غیرارادی بدن افراد را در هنگام پاسخ به

سؤالات اندازه گیری نماید. گیرنده‌ای حسّی به قسمت‌های مختلف بدن وصل می‌شود تا واکنش‌های افراد را ثبت نماید. این وسیله تغییرات فشارخون، الگوها و نوسانات تنفسی و میزان تعرق در کف دست‌ها را می‌سنجد (رستمی تبریزی، ۱۳۸۸: ۱۴۵).

به منظور ثبت تغییرات در تعداد دفعات تنفس، لوله‌های پنوماتیک روی قفسه سینه و معده قرار می‌گیرند. تغییر در میزان فشار خون با استفاده از یک دکمه مخصوص که در قسمت شانه قرار می‌گیرد نشان داده می‌شود و میزان تعریق کف دست‌ها با استفاده از الکترودهای فلزی متصل به انگشتان دست ثبت می‌شود. اگر فرد عمداً دروغی بر زبان جاری کند در تارهای صوتی او تغییراتی به وجود می‌آید و دچار لرزش صدا می‌شود. همچنین، ممکن است در این حالت به علت افزایش فشار داخل چشم، دمای چشم افزایش یابد. فشار داخل چشم افزایش می‌یابد و دمای چشم بالا می‌رود (Ewout H. Meijer and Bruno (Verschuere, 2010: 12).

پلی گرافی کلاسیک پرکاربردترین روش دروغ‌سنجی و تشخیص ارتکاب جرم است که برای انجام بازجویی و تست‌های استخدامی استفاده می‌شود و در واقع یک روش تشخیص جرم بر اساس اضطراب است. سیستم‌های پلی گراف با ثبت سیگنال‌های فیزیولوژی روانی و بررسی تغییرات آنها می‌توانند حالت اضطراب فرد و در نتیجه پاسخ‌های نادرست او را تشخیص دهند (یونسی هروی و همکاران، ۱۳۹۴: ۷۶). وقتی سوژه به یکی از سؤالات پاسخ نادرست می‌دهد، به علت اضطرابی که از رسوا شدن دارد، سیستم عصبی خودکار او به کار می‌افتد و علائم آن در مشخصه‌های فیزیولوژیکی بدن او ظاهر می‌گردند (یونسی هروی و صرافان، ۱۳۹۲: ۲۱۰). در گذر زمان این وسیله به لحاظ ساختار و اندازه پیشرفت محسوسی داشته و با پیشرفت تکنولوژی، دروغ‌سنج به هنگام استعمال به دستگاه رایانه متصل می‌شود تا امواج پیچیده جهت تسهیل تحلیل به اجزای کوچک‌تر تجزیه شوند (رستمی تبریزی، ۱۳۸۸: ۱۴۶). بدین ترتیب، روش‌های نوین دروغ‌سنجی با ثبت سیگنال‌های حاصل از حسگرهای متصل به قسمت‌های مختلف بدن از جمله مغز به تجزیه و تحلیل فعالیت‌های مغزی در حین آزمون می‌پردازند (Jc, Capps MH., Ansley N. Harris, Olsen DE., (1997: 68).

پلی گرافی یعنی علم تأیید حقیقت که بر آنالوگ‌های فیزیولوژیکی بنا نهاده شده است و تقریباً به اندازه صد سال قدمت دارد. اولین فردی که پایه علمی سنجش دروغ را کشف کرد ماسو دانشمند ایتالیایی بود که آزمایش‌های بسیاری را در مورد ترس انجام داد و رابطه آن را با تغییراتی که در نبض و فشار خون حاصل می‌شوند مطالعه نمود (صانعی، ۱۳۴۳: ۶۸). در قرن ۱۹ لومبروزو آنجلو موسو را ترغیب کرد که به مطالعه درباره هیجان و ترس و تأثیر آن بر قلب و تنفس انسان پردازد. آنجلو به بررسی گردش خون و الگوهای تنفسی و اینکه چگونه تحت تأثیر محرک‌های خاص دچار دگرگونی می‌شوند پرداخت. وی بدین نتیجه رسید که الگوهای تنفسی فرد بر اثر وجود محرک‌های خاصی تغییر می‌یابند و این موجب تغییر در میزان فشار خون و تعداد نبض فرد می‌شود. وی همچنین با استفاده از دستگاه ابداعی لومبروزو با نام پلتیسموگراف (اندازه‌گیری فشار خون و نبض) موفق به تولید دستگاه جدیدی با عنوان هیدرواسفیگموگراف شد (Wolpe, P., Foster, K., Leben, 2005: 42).

در سال ۱۹۱۴ میلادی، روانشناس ایتالیایی، ویتوریو بنوسی، یافته‌هایش را در مورد علایم تنفسی افراد در اثر دروغ منتشر کرد و اندکی بعد ویلیام مارتسون، نویسنده و حقوقدان و روانشناس آمریکایی، در سال ۱۹۱۵ میلادی دستگاه اندازه‌گیری فشار خون را اختراع کرد که مقدمه‌ای برای ساخت دستگاه پلی گراف لارسون بود (Alder, K., 2002: 30). پس از آن در سال ۱۹۲۱ میلادی دکتر جان لارسون از دانشگاه کالیفرنیا دروغ‌سنج را اختراع کرد تا همزمان بتواند تغییرات مداوم در فشار خون، ضربان قلب و میزان تنفس را برای تشخیص فریب بررسی کند (G.W. Keeler, L., J.A. Heancey, Larson, 1932: 99). پنج سال بعد لئوناردو کیلر فاکتور میزان رسانایی یا هدایت الکتریکی پوست را نیز به سه شاخص ذکر شده اضافه نمود (Madsen, L. & Grubin, D., 2005: 364) تا بدین ترتیب نقشی در پیشبرد اختراع پیشین همکارش داشته باشد. پس از تغییرات ایجادشده در دستگاه‌های دروغ‌سنج، به تدریج پلی گرافی در نظام حقوقی و قضایی کشورها راه یافت. اختراع لارسون ابتدا توسط رئیس اداره پلیس بیرکلی، آگوست ولمر، استفاده شد. وی دریافت که کار لارسون به طرز چشمگیری موجب کارآمدی و اثربخشی حوزه کاری او می‌شود، لذا به او

اجازه داد تا از طریق کار بر روی نمونه‌های واقعی دستگاه خود را آزموده و در جهت بهبود کارایی آن گام بردارد (Synnott, Dietzel and Ioannou, 2015: 60-61).

در سال ۱۷۳۰ میلادی نویسنده بریتانیایی، دنیل دفو، در مقاله‌ای با عنوان طرحی کارآمد برای پیشگیری فوری از سرقت‌های خیابانی و جلوگیری از ناآرامی‌های شبانه پیشنهاد داد که گرفتن نبض افراد مشکوک یک شیوه انسانی مؤثر برای تمیز حقیقت از دروغ است. پیشنهاد خردمندانه دفو آغازگر بکارگیری علم پزشکی در مبارزه با جرایم بود. در سال ۱۹۳۲ میلادی لوریا این نظر را داد که هنگامی که یک متهم در صدد تلاش برای مخفی کردن جرم خود است بیشتر دچار تنش می‌شود و طی مدت بازجویی منفعل نمی‌ماند. همچنین، راجر پتاف، قاضی دیوان عالی لس آنجلس ملاحظه کرد که یک دستگاه پلی‌گرافی مناسب در اختیار بازرس صلاحیت‌دار می‌تواند کمک شایانی به حاکمیت و برقراری عدالت نماید (Plygraph Test and its Legal Implication in Indian criminal justice system, chapter VI, 186).

اجزای دستگاه پلی‌گراف عبارتند از: پنوموگراف (دم سنج) که میزان تنفس را اندازه می‌گیرد و الگوی تنفسی فرد را نشان می‌دهد. میزان تنفس از طریق استفاده از دو لوله پنوماتیک اندازه‌گیری می‌شود که در قفسه سینه و شکم قرار می‌گیرند؛ کاردیواسموگراف که تغییرات ایجادشده در فشار خون و نبض را به وسیله یک کاف پلاستیکی نشان می‌دهد که اطراف بازو از بالای شریان بازو یا گاهی اوقات در اطراف انگشت شست پا یا مچ پا باد می‌شود؛ گالوانومتر که تغییرات مقاومت پوست در برابر برق را به دلیل فعالیت الکترودرم اندازه‌گیری می‌کند که به وسیله اتصال الکترودهای کوچک به دو انگشت سوژه انجام می‌گیرد. وقتی مقدار کمی جریان الکتریسیته از انگشتان عبور می‌کند، هر تغییر در تعریق اندازه‌گیری می‌شود و بر روی دستگاه رؤیت می‌شود؛ و در نهایت کیموگراف (موج‌نگار) که کارکرد این ماشین عبارت است از ثبت یا به زبان بهتر ترسیم تغییرات روانی و فیزیولوژیکی بدن انسان به هنگام دروغ گفتن به صورت نمودار.

رایج‌ترین آزمون دروغ‌سنجی مشهور به تکنیک کنترل سؤال یا سؤالات کنترلی^۱ است که شامل نظارت بر تغییرات پارامترهای فیزیولوژیکی مانند فشار خون، تنفس و واکنش‌های پوستی طی یک مصاحبه است. این آزمون مبتنی بر دو گونه سؤال است. یکی سؤالات مربوط به هدف و دیگری سؤالات تحقیق و کنترل که معمولاً به عنوان پایه برای ارزیابی و تحلیل پاسخ‌های فیزیولوژیکی مرتبط با دروغ استفاده می‌شوند. از افراد فریبکار انتظار می‌رود در پاسخ به سؤالات کنترلی پاسخ‌های فیزیولوژیکی شدیدتری را نشان دهند که مبنای آزمون مذکور بر این استوار است؛ این تکنیک اضطراب روانی را که به علت ترس از کشف حقیقت موجب واکنش‌های فیزیکی غیرارادی (همان تغییرات فشار خون، نبض، تنفس و مقاومت شیمیایی پوست) می‌شود در سیستم عصبی ارادی نمایان می‌سازد و یک آزمونگر بر اساس پاسخ‌های ضبط‌شده می‌تواند بدین ترس پی ببرد. بدین ترتیب واضح است که این تکنیک نمونه‌ای از موارد کاربرد روان‌شناسی در حوزه حقوق کیفری است (Paubert, Pauclc, 1998: 903). این آزمون به طور قطعی قادر به تشخیص فریب نیست، بلکه روشی برای اندازه‌گیری تفاوت‌های فیزیولوژیکی ذهنی است که می‌تواند با فریب مرتبط باشند. آزمون دیگر GKT است.^۲ در این آزمون سعی بر آن است که مشخص شود آیا شخصی که در معرض این آزمون قرار می‌گیرد از اطلاعات خاصی آگاه است یا خیر و همین امر می‌تواند گناهکاران را از افراد بی‌گناه متمایز سازد (Paubert, Pauclc, Giannelli, 1998: 903).

۲. کاربرد پلی‌گرافی در فرآیند دادرسی کیفری

بزهکار، بزه‌دیده و شهود یا مطلعان هر یک به نوعی در جهت کشف حقیقت به منظور تحقق عدالت در دادرسی کیفری نقش آفرینی می‌کنند. بدیهی است احراز واقعیت مبنی بر وقوع بزه انتسابی از سوی متهم یا عدم مداخله وی در ارتکاب جرم، جز با حصول دلایل اثباتی مناسب ممکن نیست. باید دلایلی موجود باشند تا مقام قضایی در مرحله تحقیقات مقدماتی

1. CQT (Comparative Question Test).
2. Guilty Knowledge Test.

بتواند با استناد به آنها حسب مورد در خصوص متهم قرار منع تعقیب یا جلب به دادرسی صادر کند. بدیهی است که در برخی موارد احتمال ارائه دلایل غیرواقعی و نادرست از سوی طرفین دعوا با انگیزه دفع اتهام یا اثبات ادعا دور از ذهن نیست. حال، با اعتبار بخشی به پلی گرافی به عنوان یک دلیل علمی، می توان این چالش را برطرف نمود. این فرآیند می تواند واجد کارکردی دوگانه باشد. از یک سو می تواند به عنوان قرینه مثبت و ایجادکننده اماره قضایی در راستای اقناع وجدانی مقامات قضایی تلقی گردد و از سوی دیگر ضابطه‌ای برای راستی آزمایی اظهارات طرفین در فرآیند دادرسی کیفری باشد. این قسمت از پژوهش درصدد تبیین کیفیت استفاده از پلی گرافی و جایگاه آن در دادرسی کیفری در ارتباط با بزهدار و بزهدیده و شهود است.

۱-۲. اعتبارسنجی اقرار متهم

بزهدار نقش قابل توجهی در دادرسی کیفری دارد. در واقع، او با تعدی به هنجارها و ارزش‌های بنیادین جامعه زمینه را برای مقابله حکومت با رفتار مجرمانه هموار می‌سازد. موضع‌گیری نهادهای تقنینی در برابر این گروه از افراد در قالب سازکار تعیین مجازات تجلی می‌یابد. چراکه ارتکاب جرم رفتار مختل‌کننده نظم عمومی جامعه و حقوق و ارزش‌های فردی و اجتماعی به شمار می‌رود و بدیهی است در چنین حالتی برقراری مجدد نظم و اعاده تمام یا بخشی از حقوق زایل‌شده افراد در چارچوب تعیین کیفر امری ضروری قلمداد می‌شود. در این میان آنچه سبب ایجاد پیوند بین بزهدار و کیفر می‌شود ادله‌ای است که در راستای اثبات ارتکاب جرم ارائه می‌گردند.

یکی از مهم‌ترین دلایل علیه متهم اقراری است که توسط ضابطان قضایی یا مقامات تعقیب و تحقیق از وی اخذ می‌شود. در حقیقت، کسی که در مظان اتهام ارتکاب جرم است با وجدان آگاه و بیدار خویش از وقوع جرم توسط خود خبر می‌دهد و در صورت مشروعیت این اخبار، همین امر او را در دام دستگاه عدالت کیفری گرفتار کرده و در نهایت مجازات می‌شود. این شیوه از قدمت زیادی برخوردار است. از دیرباز حکومت‌ها برای تسهیل کشف واقعیت از آن استفاده می‌کرده‌اند و تا به امروز هم این رویه ادامه دارد. تأثیر اقرار در احراز

حقیقت تا آنجاست که در امور کیفری قانونگذار آن را در صدر سایر دلایل قرار داده و این صدرنشینی و برتری صرفاً هنگام مواجهه با قرائن و امارات مخالف متزلزل می‌شود. به همان اندازه که امید صحت اقرار وجود دارد بیم خلاف واقع بودن آن نیز دور از ذهن نیست. در حقیقت، در مواردی ممکن است اقرار به ارتکاب جرم مقرون به واقع نباشد و برای به اشتباه انداختن مقام قضایی یا خلاصی بخشیدن دیگری از محاکمه و تحمل کیفر یا هر انگیزه دیگر صورت گرفته باشد. از آنجا که تمیز اقرار صحیح از ناصحیح دشوار است و راهی برای تشخیص کذب بودن اخبار به ضرر مقرر موجود نیست، استفاده از پلی‌گرافی می‌تواند این نقیصه را جبران کند، بدین ترتیب که وقتی از متهم سؤالی پرسیده می‌شود و او پاسخی خلاف واقع می‌دهد، تغییرات حاصل در عملکرد سیستم بدنی فرد توسط این دستگاه‌ها ضبط می‌شود. پس از آن، نتایج حاصل شده تفسیر می‌شوند و زمینه‌ای برای حصول علم قضایی فراهم خواهد شد. بدین طریق، در جهت آزمودن صحت اقرار، می‌توان در راستای نیل به یک دلیل متقن، یافته‌های حاصل از این فرآیند را معیار ارزیابی قرار داد. یافته‌های مذکور از ضریب اطمینان قابل قبولی برخوردار هستند، زیرا اگر مداخله روان‌شناسان را در آن مفروض بدانیم، احتمال بروز خطا کاهش می‌یابد. با طراحی سؤالاتی بر مبنای ضوابط و استانداردهای دانش روان‌شناسی همه جوانب امر با هدف دسترسی به یک دلیل علمی لحاظ می‌شود، چراکه حضور یک روان‌شناس به منظور تفسیر و تحلیل نتایج حاصل شده می‌تواند نقش بسزایی در یاری رساندن به مقامات قضایی در جهت کشف حقیقت و تحقق عدالت داشته باشد.

۲-۲. اعتبارسنجی شکوائیه شاکی / بزه‌دیده

از دیگر طرف‌های دادرسی کسی است که رفتار خلاف قانون دیگری جان، مال، عرض، ناموس، آزادی، امنیت و آسایش او را نشانه رفته و بدین ترتیب ضرر مادی یا معنوی ناروایی را به او وارد نموده است. در چنین حالتی فرد مذکور با طرح شکایت مقامات قضایی را جهت دادخواهی به استمداد فرا می‌خواند و خواهان اعاده حقوق تضییع شده خود است. در مواردی شاکی یا بزه‌دیده با سوءاستفاده از حق اقامه دعوی کیفری اقدام به طرح شکایت

واهی می‌کند. گاه انگیزه شخص به ظاهر شاکی از این اقدام کسب مال یا منفعتی برای خود است. همچنین، ممکن است اقامه چنین دعوایی نشئت گرفته از اغراض انتقام‌جویانه نسبت به مشتکی‌عنه باشد. گاه نیز مشاهده می‌شود که افرادی در رقابت با دیگران جهت ارتقای جایگاه خود، به منظور خارج کردن رقیبان از عرصه رقابت از روی کینه مبادرت به طرح شکایت خلاف واقع می‌نمایند، که افزون بر ورود خسارات مادی و معنوی به طرف دعوا، باعث افزایش حجم پرونده‌ها در مراجع قضایی می‌شود.

از آنجا که دادگستری مرجع تظلمات عمومی است و مقام قضایی مکلف به رسیدگی است، احضار مشتکی‌عنه متعاقب طرح چنین شکایتی با هدف دفاع از خود و رفع اتهام وارده می‌تواند پیامدهای ناگواری برای او به بار بیاورد، نظیر ایجاد بدبینی و سوءظن در دیگران، به خطر افتادن آبرو و حیثیت و نیز ایراد زیان‌های مادی و معنوی. توجه به فرآیند دروغ‌سنجی می‌تواند در تشخیص بی‌اساس بودن شکایت افراد نقش چشمگیری داشته باشد. شخصی که مبادرت به تنظیم شکوائیه می‌کند و خواستار تعقیب دیگری است، اگر ادعایش واقعی نباشد در مواجهه با پرسش‌های ضابطه‌مند در جریان پلی‌گرافی واکنشی نشان می‌دهد که با تفسیر آن می‌توان به آسانی واهی بودن ادعا را احراز کرد.

۲-۳. اعتبارسنجی اظهارات شهود

نیاز دستگاه قضا به مشارکت سازنده شهود در فرآیند دادرسی روشن است. گاه شاهدان می‌توانند با بیان اظهارات خود از دیده‌ها و شنیده‌هایشان به روند دادرسی جهت‌دهی کنند. آنان به منزله چشم و گوش دستگاه عدالت کیفری (آشوری، ۱۳۹۱: ۱۱۳) در حالی که کوچک‌ترین دخالتی در ارتکاب جرم نداشته‌اند، از جهت اینکه نظاره‌گر یا شنونده موضوع بوده‌اند، رگه‌هایی از حقیقت را فرا روی دیدگان مقامات قضایی به تصویر می‌کشاند. آنچه بااهمیت است اینکه همواره هم روایت شاهدان مطابق با واقعیت نیست. در برخی مواقع افرادی که خود در دعوی کیفری ذینفع هستند، خواه رأساً یا به دنبال تبانی با یکی از طرفین دعوا در مقام شاهد قرار گرفته و روند دادرسی را به سود خود تغییر می‌دهند. تزر و با اشاره

به تفکر مکتب کلاسیک یادآوری می‌کند: «شاهد وقتی نفعی در دروغ‌گویی ندارد، راست می‌گوید» (التاویلا، ۱۳۸۹: ۳۳۴).

همچنین گاه ترس از خطر می‌تواند منبع القای شهادت دروغ یا دست‌کم کتمان باشد. به خصوص شاهد از این می‌ترسد که در مظان اتهام شرکت در جرم قرار گیرد و بدین ترتیب حضور خود را در محل وقوع جرم انکار می‌کند (التاویلا، ۱۳۸۹: ۳۳۵). از سوی دیگر، نمی‌توان از معضل شاهدان پولی غفلت ورزید. این افراد شاهدان با رونق بخشیدن به بازار شهادت ناروا در ازاء دریافت مبلغی می‌توانند روند دادرسی را به نفع یا ضرر شاکی یا متهمان تغییر دهند. در تأیید این مطلب همین بس که گاه با اظهارات ناصحیح شهادی، متهمی به ناحق از هستی ساقط شده یا با رهایی از گرداب مجازات به وسیله فریب دستگاه قضایی به حیات خود ادامه می‌دهد. به منظور خروج از این بن‌بست، تمسک به روان‌شناسی قضایی می‌تواند اثر بسزایی داشته باشد. در این زمینه، از مزایای پلی‌گرافی این است که می‌توان از آن به عنوان مکانیزمی برای سنجش انطباق یا عدم انطباق سخنان شهود با حقیقت و تمیز شاهدان واقعی از شاهدانها و نیز تعیین تکلیف موارد تعارض و تناقض اظهارات شاهدان استفاده کرد.

۳. چالش‌های پلی‌گرافی

مسئله هر گاه موضوعی جدید مطرح می‌شود، جدا از مزایای خود، ممکن است با برخی مفاهیم تعارض داشته باشد. در اینجا نیز که بحث از احتساب پلی‌گرافی در زمره یکی دیگر از ادله علمی اثبات جرم یا اماره قضایی در میان است، انتقاداتی مطرح هستند. همانطور که می‌دانیم هدف دستگاه عدالت کیفری تحقق عدالت است. عدالت کیفری برقراری تعادل دو کارکرد در قبال شهروندان است: از یک سو تضمین عادلانه حق شهروندان در برخورداری از امنیت جانی، مالی و اخلاقی در برابر مجرمان و از سوی دیگر تضمین واقعی حقوق انسانی و دفاعی شهروندان در مقابل کنشگران و نهادهای عدالت کیفری (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۱: ۵۲). لازمه این امر آن است که متهم از لحظه ایراد اتهام تا زمان صدور حکم از یک سری امتیازات و امکانات بهره‌مند باشد تا بتوان میان حقوق فردی و منافع جمعی موازنه برقرار

نمود. در واقع، در زمان تقابل حقوق فرد با جامعه نباید به بهانه حراست از جامعه از حقوق متهم غفلت ورزید. همین قاعده درباره شاکی و شهود نیز لازم‌الرعايه است. در رابطه با پلی‌گرافی برخی ادعا کرده‌اند که این تکنیک با پاره‌ای از حقوق مقرر افراد در جریان دادرسی همخوانی ندارد. در این قسمت این انتقادات بررسی می‌شوند.

۳-۱. تقابل با حق سکوت متهم

یکی از اصول دادرسی منصفانه فرض براءت یا بی‌گناهی متهم است. منظور از این اصل مصونیت افراد عادی در برابر تعرض دیگران به ویژه صاحبان قدرت و قوای عمومی است (شاملو، ۱۳۸۱: ۲۶۲). متهم هیچ تکلیفی در رفع اتهام از خود ندارد و اتهام باید با تحصیل دلیل به وسیله مرجع قضایی اثبات شود. رعایت این اصل اقتضای آن را دارد که متهم در مواجهه با کارگزاران نظام عدالت کیفری از برخی حقوق و تضمینات دفاعی بهره‌مند گردد. یکی از حقوق دفاعی متهم حق سکوت است که باید در مراحل مختلف دادرسی اعم از تعقیب و تحقیق و دادرسی رعایت گردد. برخی کشورها این حق را تنها به متهم اختصاص نداده‌اند و شهود نیز از این حق بهره‌مند هستند (جی.آر. اسپنسر، ۱۳۸۴: ۱۰۰). این حق نمایانگر دفاع غیرفعال متهم است و نقض آن می‌تواند منتهی به بی‌اعتباری تحقیقات مقلداتی و یا حتی رأی دادگاه گردد (تدین، ۱۳۸۸: ۱۸۱). برخی از کشورها نیز با خوانشی نو از فرض براءت، نه تنها حق سکوت متهم را به رسمیت شناخته‌اند، بلکه پلیس پس از احضار یا جلب متهم، علاوه بر استعمال هویت و اعلام صریح اتهام مکلف است متذکر شود که متهم الزامی به پاسخگویی ندارد، اما اگر حرفی بزند ممکن است علیه وی استفاده شود (حبیب‌زاده، ۱۳۸۸: ۲۶۹).

ماده ۱۹۷ قانون آیین دادرسی ایران نیز مقرر داشته که متهم می‌تواند سکوت اختیار کند. این اهرم دفاعی به منزله یکی از مصادیق حقوق متهمان در اسناد بین‌المللی هم از ارزش و اعتبار ویژه‌ای برخوردار شده چنانکه قسمت (ز) از بند ۳ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی متضمن این است که هر کس متهم به ارتکاب جرمی شود حق دارد با تساوی کامل از این حق برخوردار شود که مجبور نشود علیه خود شهادت دهد و یا به مجرم بودن

اعتراف کند. ماده ۴۰ کنوانسیون حقوق کودک و مواد ۵۵ و ۶۷ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی نیز بر این تصریح دارند که متهم مجبور به ادای شهادت یا اعتراف به مجرمیت نیست و می‌تواند سکوت اختیار کند، بدون اینکه این سکوت دلالت بر مجرمیت یا بی‌گناهی او داشته باشد.

برخی مخالفان پلی‌گرافی با لحاظ نمودن اصل برائت و حق سکوت متهم در توجیه ادعایشان اظهار داشته‌اند که استفاده از دستگاه دروغ‌سنج به دلیل نداشتن ارزش مطلق علمی و لطمه به شخصیت انسانی و صدمه به حق دفاع متهم با ایراد روبرو است و از سوی دیگر مخالف با اصل است، زیرا به جای اینکه دادرسی در صدد اثبات خلاف فرض بی‌گناهی متهم برآید، متهم به اثبات بی‌گناهی خویش ملزم می‌شود (گلدوزیان، ۱۳۷۵: ۷۵). برخی دیگر با این استدلال که پلی‌گرافی سبب معیوب شدن اراده متهم می‌شود، نتایج حاصل از آن را نپذیرفته‌اند. به عقیده آنها واقعیت موجود نشان می‌دهد که هیچ دولتی در جهان یافت نمی‌شود که در اثبات محکومیت صرفاً به این دستگاه‌ها اعتماد کند. نگرانی و ترس فرد از عدم کارکرد صحیح دستگاه منجر به تغییر و تحوّل در بعضی از کارکردهای فیزیولوژیکی او می‌شود که زمینه‌ساز تجاوز به حق سکوت متهم یا گواهی ندادن علیه خویش است (الصجیری، ۲۰۱۵: ۶۲). در نتیجه، بکارگیری این تکنیک از مصادیق بارز اعمال زور و فشار مادی و معنوی به حساب می‌آید (سعدون، ۱۹۹۲: ۲۱۳). حال آنکه لازمه برخورداری متهم از حق سکوت این است که از هر گونه شکنجه و آزار و اذیت مصون باشد. لذا حق سکوت متهم با ممنوعیت شکنجه و اذیت وی همسو است (طهماسبی، ۱۳۹۴: ۸۷). از طرفی دیگر استفاده از این دستگاه‌ها با آزادی افراد مخالف است. در نتیجه، حکومت نمی‌تواند بین سخن متهم یا سلب آزادی شخصی او از طریق این دستگاه انتخاب کند، زیرا انتخاب بین اجرای کیفر سالب آزادی متهم یا ارائه اطلاعات وی در نتیجه همکاری مؤثر با دستگاه عدالت کیفری که متضمن نقض آزادی اوست خلاف اصل سکوت به شمار می‌آید (موحدی، ۱۳۹۳: ۹۸). بدین ترتیب، بکارگیری تکنیک مذکور در تقابل با حقوق دفاعی متهم قرار دارد و همین موجب می‌شود ایراد عادلانه نبودن دادرسی مطرح گردد. البته گرچه برخی منتقدان با تأکید بر حق سکوت، پلی‌گرافی را تهدیدکننده آن محسوب می‌کنند، از منظری

دیگر درمی‌یابیم که منعطف نمودن حق مذکور می‌تواند بستر مناسبی را به منظور بهره‌گیری از پلی‌گرافی فراهم نماید که در ادامه به تبیین آن می‌پردازیم.

۱-۳-۱. تعدیل حق سکوت در مواجهه با حفظ نظم عمومی و حقوق بزه‌دیده

در مقام پاسخ به ایرادات باید توجه داشت که لزوم کشف جرم به منظور اعاده نظم جامعه و حمایت از بزه‌دیده ایجاب می‌کند تا از جمود این قاعده کاسته شود و شکل منعطفی به خود بگیرد. چرا که این حق غالباً از سوی مجرمان حرفه‌ای مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرد، به ویژه زمانی که ضابطان با جرایم سنگین، سازمان‌یافته یا فراملی روبه‌رو هستند، نمی‌توانند به نحو مؤثر وارد عمل شوند، چون مرتکبان چنین جرایمی از حق خود سوءاستفاده کرده و به جرایم ارتكابی اعتراف نمی‌کنند (قربانی، ۱۳۸۴: ۳۴). اینجاست که ضرورت تسامح نسبت به حق سکوت متهم به وضوح مشاهده می‌شود. لذا به عنوان یکی از راهکارهای منعطف‌سازی حق سکوت متهم، می‌توان با تمرکززدایی رسیدگی‌ها و تحقیقات قضایی از نظام ادله اثبات قانونی، که محوریت آن اقرار است، جنبه اثباتی آن را کاهش داد و متهمان را در مواجهه با حق سکوت خود محدودتر نمود، بدین صورت که می‌توان با الزام مقامات قضایی و شاکی به جمع‌آوری دلایل و مدارک متقن و قوی با استفاده از یافته‌های علمی، نظام بازجویی و تحقیق را مجهز به ادله علمی روزآمد نمود و متهم را به نوعی وادار به پاسخگویی ارادی نمود (حبیب‌زاده و صادقی، ۱۳۹۵: ۷۸).

در دادرسی به همان اندازه که به متهم توجه شده و سعی می‌شود تا همه حقوق او به عنوان یک شهروند از سوی قوای حاکم در نظر گرفته شود، در دو ضلع دیگر مثلث کنشگران فرآیند دادرسی، شاکی و نمایندگان جامعه ایستاده‌اند و چه بسا هم‌ردیف با متهم یا حتی بیشتر از نتایج دادرسی متأثر خواهند شد. پس زمانی می‌توان از عادلانه بودن دادرسی سخن به میان آورد که بتوان میان حقوق هر یک از آنان توازن برقرار کرد. همچنین، درست است که متهم در جهت حفظ منافع خویش به سکوت متوسل می‌شود، اما از آنجا که احتمال زیادی وجود دارد این سکوت دال بر بی‌گناهی او نباشد و در پاره‌ای موارد برای انحراف کارگزاران نظام قضایی از مسیر صحیح بازجویی این گزینه را انتخاب نماید، بایسته است تا

با روی آوردن به دلایل جدید همگام با پیشرفت علوم و فناوری‌های نو، این حق را به درستی مدیریت کرد.

۲-۱-۳. رضایت فرد؛ ابزار اسقاط حق سکوت و شرط اعتبار پلی‌گرافی

انسان موجودی است که آزاد آفریده شده و همین وجه ممیز او با دیگر مخلوقات است. انسان با اجبار بیگانه است و در روابط اجتماعی‌اش با هم نوعان خویش به این ویژگی او توجه شده به گونه‌ای که اگر عملی را از روی اجبار انجام دهد فاقد ارزش است و مهم‌تر از آن حتی در صورت ارتکاب جرم نیز اگر اراده‌اش معیوب باشد، مسئولیت کیفری از وی رفع می‌شود. حتی در نظام ادله معنوی که اقناع وجدانی قاضی هدف مهم آن و اصل آزادی تحصیل دلیل شاخصه آن است، ممنوعیت تحصیل هر گونه دلیل از راه‌های نامشروع چون اکراه و اجبار به کارگزاران نظام قضایی گوشزد شده است. پلی‌گرافی نیز اگر در زمره ادله علمی به شمار آید از این قاعده مستثنی نیست و رضایت فرد یکی از شرایط لازم برای صحت و اعتبار نتایج حاصل از این تکنیک است. در این زمینه گفته‌اند که فرد نباید بدون رضایت در معرض این آزمون قرار گیرد، خواه انجام آن توسط مقام قضایی یا ضابطان دادگستری صورت گیرد؛ این رضایت باید قبل از انجام محاکمه قضایی از متهم اخذ شود (Police rely on polygraph test in unsolved cases at www.Legislative.com, visited 4/12/1014). فراتر از آن در این فرض نیز باید به فرد حق دسترسی به وکیل داده شود تا با کمک او بتواند اطلاعات لازم را پیرامون این موضوع کسب نماید. لذا وقتی پای رضایت فرد در میان باشد دیگر نمی‌توان مدعی شد که این روش با حق سکوت تعارض دارد. همانطور که مشخص است سکوت حق متهم است و از ویژگی‌های ممتاز حق قابل اسقاط بودن آن است و رضایت ابراز شده این گونه تفسیر می‌شود که فرد با انتخاب قرار گرفتن در معرض آزمون رغبتی به استفاده از آن ندارد.

۳-۱-۳. پلی‌گرافی تکنیکی برای اثبات بی‌گناهی متهم

از دیگر سو در رد ایراد فوق‌الذکر باید اذعان کرد که با وجود تأکیدات فراوانی که نسبت به حمایت از متهم و حفظ حقوق او شده انصاف نیست که یک تنه به قضاوت رفت، چراکه

با پذیرش این ایراد گویا از مجرای پلی گرافی صرفاً در صدد اثبات ارتکاب جرم از سوی متهم و محکومیت وی هستیم، دیدگاهی که این تکنیک را ابزاری برای ستیز با متهم می‌داند و در برخورد با متهم کارکردی منفی برای آن قائل است. بدیهی است در این فرض این موضوع از دید منتقدین مغفول مانده که چه بسا این تکنیک می‌تواند کارکردی دوگانه داشته باشد، یعنی همان گونه که می‌تواند علیه متهم استفاده شود، چه بسا در پاره‌ای موارد بتواند به نفع متهم بی‌گناهی باشد که هیچ دلیلی برای رهایی خود ندارد؛ نتایج پلی گرافی با رعایت تمامی اصول علمی و استانداردهای لازم می‌توانند به تبرئه متهم بینجامند (An demy of (polygraph (Lie Detector) Examiners available at. www.Jtore.org/stable). مزیت دیگر آنکه که می‌توان بی‌گناهی افراد را در همان وهله اول با این تکنیک معلوم کرد و به کاهش هزینه‌های جامعه در مقابله با جرم کمک کرد.

۲-۳. تقابل با حق کرامت انسانی

رعایت حقوق و کرامت انسانی از بنیان‌های مهم نظم اجتماعی است و حکومت‌ها در این باره وظیفه اساسی دارند و حتی مشروعیت‌شان مبتنی بر آن است (رجبی تاج امیر، ۱۳۹۷: ۶۸). لزوم حفظ این کرامت موجب می‌شود که افزون بر جامعه و نظام حاکم بر نظام مدیریتی اجتماع، نهادهای عدالت کیفری با توسل به سازکارهای لازم ملزم به اصل دادرسی عادلانه گردند. در حقوق بین‌الملل نیز مستند به اعلامیه حقوق بشر که بیان می‌دارد به رسمیت شناختن شخصیت ذاتی و حقوقی برابر و سلب‌نشده همه اعضای جامعه بشری، اساس آزادی و عدالت و صلح در جامعه جهانی است، باید نظام حقوقی و جریان دادرسی نیز همگام با این مسئله حرکت کند و از نادیده گرفتن حقوق افراد و کرامت ذاتی آنها اجتناب نماید. تا وقتی نسبت به متهم حکم محکومیت قطعی صادر نشده باشد مجرم نخواهد بود و لذا باید در دستگاه عدالت کیفری حفظ شأن و احترام وی تضمین گردد.

برخی معتقدند استفاده از تکنیک پلی گرافی می‌تواند منافعی با حقوق بشر و شأن متهم یا هر شخص دیگری باشد که در معرض این آزمون قرار گرفته است. در نتیجه با این استدلال که استفاده از پلی گرافی شأن انسان را تا حد یک وسیله و حیوان آزمایشگاهی پایین می‌آورد

و اراده و اختیار انسان را مخدوش می‌نماید، آن را رد کرده‌اند. از این دیدگاه، پلی‌گرافی نه تنها از نظر علمی بلکه به علت تداخل با وجدان آگاه و ناخودآگاه انسان فاقد اعتبار است (آشوری، ۲۲۵). نتیجه آنکه دادرسی نه هدف که خود وسیله‌ای است برای تشخیص اتهامات روا از ناروا. بنابراین، در این زمینه تردیدی نیست که کرامت انسانی، حقوق بشر و به ویژه شخصیت افراد هر چند متهم و رعایت حق دفاع وی باید هدایت‌کننده قانونگذاران و قضات در تدوین و اجرای مقررات مربوط به ادله اثبات دعوی کیفری به منظور تضمین یک دادرسی عادلانه باشد (آشوری، ۱۹۸-۱۹۷). منتقدین پلی‌گرافی پایه‌های فکری خود را بر این اساس بنا نهاده‌اند که تخصیص کرامت به آدمی مقتضی بهره‌مندی وی از اراده‌ای آزاد است و هر عملی در راستای تحصیل دلیل که منافی آن باشد مشروعیت خود را از دست خواهد داد. لذا نه تنها باید خود دلیل مورد نظر واجد مشروعیت باشد، ضروری است که طریق نیل به آن نیز قانونی باشد. کارگزاران دستگاه عدالت کیفری در هر کسوتی خواه ضابط یا مقام تعقیب یا تحقیق یا دادرس مکلف به پیمودن طرق مشروع در جهت دستیابی به دلیل هستند.

در امور کیفری حاکمیت اصل تحصیل آزادانه دلیل موجب می‌شود که مقام قضایی نقشی فعال در جریان دادرسی ایفا کند. لذا هر چند نوع دلایل قابل ارائه در دادرسی به هیچ وجه از قبل از سوی قانونگذار احصاء نمی‌شود، در جهت حمایت از حقوق فردی در مقابل مصالح عمومی و ایجاد توازن میان قدرت عمومی و آزادی‌های فردی دایره این اصل تضییق شده است. پس می‌توان به عدم امکان استناد به دلایل نامشروع از قبیل هیپنوتیزم، دروغ‌سنج و یا سرورم حقیقت اشاره نمود (حیدری و فتحی، ۱۳۹۳: ۴). از نظر این دسته منتقدان به دلیل عدم مشروعیت پلی‌گرافی، نمی‌توان نتایج حاصل از آن را به عنوان یکی از ادله علمی محسوب کرد. علاوه بر این، در مواردی هم که پلی‌گرافی مجرای برای کسب دلیل است، وجهه قانونی ندارد و بالتبع هر گونه دلیل مستند به آن هم از درجه اعتبار ساقط است. با این وصف، اقرار با استفاده پلی‌گرافی با تحدید یا زوال اختیار و آزادی اراده، در تعارض با کرامت انسان است و نمی‌تواند در اقلان وجدان دادرس مؤثر باشد. این ایراد نیز همانند مورد قبل با برخی استدلال‌ها قابل رفع است. اول اینکه اهمیت تمام جرایم به یک اندازه نیست.

وقوع برخی جرایم چنان خدشه‌ای به حقوق جامعه و زیان دیده وارد می‌کند که نمی‌توان از آن اغماض کرد. بدیهی است در این حال می‌توان استفاده از پلی‌گرافی را ضابطه‌مند ساخت و توسل به آن را تنها به این دسته از جرایم محدود نمود. دوّم آنکه اگر در برخی اقدامات قضایی تأمل داشته باشیم نکته این است که در ظاهر این اقدامات در تقابل با حقّ بر کرامت انسانی هستند. آنجا که قانون به مقام قضایی اجازه می‌دهد که قرار بازداشت موقت یا دستور جلب پیش از احضار را دربارهٔ برخی متّهمین صادر کند یا در مواردی برای مدت معینی مظنون یا متّهم را تحت نظر داشته باشد، ظاهراً کرامت انسان نادیده گرفته می‌شود، حال آنکه لزوم صیانت از برخی ارزش‌های حیاتی قانونگذار را بر آن داشته که در جهت دستیابی به یک سری اهداف از حمایت مطلق حقّ مذکور روی گردان شود تا بتواند از حقوق جامعه و اعضای آن در برابر اقدامات ستیزه‌جویانه حفاظت نماید.

اگر نیک بنگریم درمی‌یابیم که این ایراد وارد نیست. منع استفاده اجباری از این تکنیک توأم با رعایت تمامی موازین، معیارها و استانداردهای لازم برای افزایش میزان صحت و اعتبار آن می‌تواند شائبهٔ شکل‌گیری این ایراد را در ذهن منتفی نماید. اگر قرار است پلی‌گرافی نقش بسزایی در میان ادلّه اثبات دعوا داشته باشد، خواه به عنوان دلیلی مستقل یا ابزار ارزیابی دلایل اصلی، شایسته است مقدمات مورد نیاز برای افزایش کارایی آن نیز موجود باشند.

۳-۳. تقابل با حریم خصوصی افراد

حقّ بر حریم خصوصی، یکی از مظاهر تخصیص کرامت ذاتی برای بشر، در حقوق داخلی کشورها و در اسناد بین‌المللی به رسمیت شناخته شده است. افزون بر اشارهٔ تلویحی مادهٔ ۳ اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر، حقّ مذکور به طور رسمی برای نخستین بار در مادهٔ ۱۲ این سند مورد تأکید قرار گرفت که بر اساس آن «احدی نباید در زندگی خصوصی، امور خانوادگی، اقامتگاه یا مکاتبات خود، مورد مداخله‌های خودسرانه واقع شده و شرافت و اسم و رسمش، مورد حمله قرار گیرد. هر کس حق دارد در برابر این گونه مداخله‌ها و حملات، مورد حمایت قانون قرار گیرد». اگرچه برخی گفته‌اند که به علت سیال بودن مفهوم حریم

خصوصی نمی‌توان تعریفی از آن ارائه داد (Solve, 2008: 1). اما می‌توان حریم خصوصی را بخشی از زندگی انسان تعریف کرد که عرفاً و قانوناً هرگونه ورود، نظارت، کنترل و کسب اطلاع راجع به آن جز در موارد مصرح قانونی صرفاً باید با اذن شخص صاحب حق صورت گیرد (فروغی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۴۵). این حق متضمن این حق برای فرد است که تعیین نماید چگونه، چه زمانی و تحت چه شرایطی اطلاعات مربوط به او به ویژه اطلاعات محرمانه و خصوصی او در دسترس دیگران قرار گیرد (Garner, 2004: 1233).

به موازات توسعه فناوری و اختراع ابزارهای مدرن که امکان تجسس در زندگی بشر را سهولت بخشیده‌اند، نگرانی‌ها درباره نقض حریم خصوصی گسترش یافته است. عده‌ای از مخالفین پلی‌گرافی بر این عقیده‌اند که این تکنیک آثار نامطلوبی بر حوزه حریم خصوصی افراد به ویژه حریم خصوصی روانی بر جای می‌نهد. مخالفان پلی‌گرافی می‌گویند که ترس عمده این است که بکارگیری چنین وسایلی باعث پایداری شدن حریم خصوصی افراد شود و اینکه هر کسی با استفاده از این وسیله و آگاهی به عملکرد آن بتواند افکار و احساسات شخصی افراد را کاوش کند (F. Schauer, 2010: 101). چراکه واکاوی اجزاء خودآگاه و ناخودآگاه انسان دسترسی به اطلاعاتی از حریم خصوصی فرد را ممکن می‌کند که گاه آدمی در تمام سال‌های زندگی خود در پی کتمان آن بوده است (افشار و نعمتی، ۱۳۸۸-۱۳۸۹: ۶۸). وقتی فرد در معرض آزمون راستی‌آزمایی قرار می‌گیرد، مصاحبه‌کننده از وی سؤالاتی می‌پرسد تا بتواند از خلال واکنش‌های صورت گرفته به حقیقت یا دروغ بودن گفتار وی پی ببرد. استفاده از این ابزار مرزهای ممنوعه روان فرد را مورد تجاوز قرار داده و با عبور از خط قرمزهای محدوده حریم خصوصی، علیرغم تمایل فرد، زوایان پنهان روان آدمی را آشکار می‌کند. این در حالی است که هر شخصی که در یک جامعه متملن زندگی می‌کند از این حق برخوردار است که مانع آگاهی دیگران از اطلاعات یا افکار و احساسات خویش گردد. از طرفی دیگر استفاده از دستگاه دروغ‌سنج که به نوعی سرقت در فضای درونی وجود شخص متهم محسوب می‌شود (پورزند مقدم، ۱۳۷۹: ۴۸) می‌تواند با تحمیل اندیشه‌ای خاص به فرد در حریم روانی افراد دخالت کند و از این رهگذر موجبات بی‌اعتنایی به این قسم از حریم خصوصی را دامن زند. این ایراد هم دچار تزلزل شده است، زیرا رعایت پاره‌ای

از ضوابط در خصوص نحوه انجام آزمون پلی‌گرافی و ترجیح پاره‌ای از ارزش‌ها ایراد مطروحه را نقض می‌نماید.

۱-۳-۳. رجحان منافع عمومی بر منافع خصوصی

یکی از استدلال‌هایی که در پی توجیه نقض حریم خصوصی افراد آمده این است که اگر با افشای منافع خصوصی بتوان منافع معین عمومی را برآورده ساخت، ورود به حریم افراد توجیه می‌شود. مهم‌ترین مصادیقی که برای روشن شدن مفهوم نفع عمومی ارائه شده‌اند مواردی چون کشف جرم و حفظ نظم عمومی هستند (Archard, 86-87). طبق بند ۲ ماده ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مقامات دولتی حق هیچ‌گونه مداخله در اعمال حق مذکور را ندارند مگر مطابق با احکام و قوانین و در صورتی که مداخله آنها در چارچوب جامعه مردم‌سالار برای امنیت ملی، سلامت عمومی یا رفاه اقتصادی کشور، پیشگیری از بی‌نظمی یا جرم، حمایت از بهداشت و اخلاق یا برای حمایت از حقوق و آزادی‌های دیگران ضروری باشد. به اعتقاد مارک روتن حکومت می‌تواند حریم خصوصی را از طریق برنامه‌هایی نظیر دروغ‌سنج از بین ببرد. ویژگی‌های تهدید حکومت علیه حریم خصوصی افراد آن است که به محض استقرار، شهروندان دیگر نمی‌توانند از انجام خواسته‌های حکومت سر باز بزنند و لاجرم باید اطلاعات مورد نظر را در اختیار حکومت قرار دهند (نمک‌دوست، ۱۳۸۵: ۲۱۵).

۲-۳-۳. رضایت فرد به مثابه مجوز مداخله در حریم خصوصی

در هیچ صورتی استفاده اجباری از دروغ‌سنج مورد نظر نیست. برخورداری انسان از قوه تعقل و آزادی اراده توجیه‌کننده لزوم ابراز رضایت فرد برای قرارگیری در معرض آزمون پلی‌گرافی است. وقتی شخص بدون مداخله هیچ‌گونه محرک بیرونی و با رضایت خاطر تن به مصاحبه و گفتگو با دیگری می‌دهد، به نوعی قلمرو حریم خصوصی خود را مضیق می‌کند. در این صورت نمی‌توان گفت اقدام مصاحبه‌کننده موجب نقض حریم خصوصی افراد می‌شود. همگام با ابراز رضایت آزادانه و آگاهانه فرد، دسترسی به فضای حریم خصوصی روانی نیز ممکن می‌شود و در مواردی که گاهی مصاحبه‌کننده مجبور می‌شود در

راستای وقوف بر صحّت یا بطلان اظهارات فرد سؤالاتی مطرح نماید و روزه‌ای برای رخنه در روان فرد و دست‌یازی به اطلاعات محرمانه ذهنی او داشته باشد، این ایراد قابل پذیرش نیست.

۳-۴. تفاوت در نحوه تفسیر یافته‌های خروجی و امکان تغییر در آنها

عده‌ای با این نگرش که نحوه تحلیل داده‌های پلی‌گرافی از یک فرد به دیگری متفاوت است و اینکه امکان تغییر در آنها از سوی هر یک از طرفین مصاحبه محتمل است روی خوشی به این تکنیک نشان نمی‌دهند. به نظر آنها یکی از اشکالات استفاده از این دستگاه نوع برخورد با یافته‌های آن و نحوه تفسیر آنهاست که ممکن است مشکل‌آفرین باشد. زیرا اولاً معیارهایی چون ضربان قلب و فشار خون در مورد همه افراد به یک اندازه نیستند، پس در این خصوص نمی‌توان یک ضابطه دقیق ارائه داد. دوم اینکه اشخاص در مقابل اظهارات‌شان به یک اندازه احساس مسئولیت نمی‌کنند، لذا واکنش‌های درونی آنان نیز دارای تفاوت‌های زیادی هستند. اشخاصی وجود دارند که صرف حضور در یک جلسه بازجویی حال آنها را منقلب می‌کند و همه فعالیت‌های فیزیولوژیکی آنان متحوّل می‌شوند تا جایی که در اظهارات صحیح نیز ضربان بالای قلب، فعالیت زیاد غدد عروقی و نفس‌های تند و پی‌درپی مشاهده می‌شوند. از طرفی دیگر، افرادی هم وجود دارند که از بس به این گونه شرایط عادت کرده‌اند تحت هیچ شرایطی نه وجدان آنها بیدار می‌شود و نه قلب‌شان به تپش می‌افتد؛ برای نمونه، جاسوسی با نام دریتشایمز بارها توانست از آزمایش دستگاه دروغ‌یاب عبور کند، در حالی که سازمان اطلاعات و امنیت مرکزی به صداقت و راستگویی او بسنده کرد (عبدالعال سلطان، ۲۰۰۹: ۲۵۷). مجرمان حرفه‌ای نیز در هیچ وضعیتی دستخوش تغییر نمی‌شوند. بدین ترتیب، یافته‌های این گونه دستگاه‌ها در جهت ردّ صحّت اظهارات متهم یا شاهد با تردیدهایی جدّی روبه‌رو است. پس به تنهایی نمی‌تواند مورد استناد واقع شود، بلکه به عنوان مؤیدی برای سایر ادلّه موجود می‌تواند عمل کند.

از سوی دیگر این تکنیک به ویژه در مواردی که از سوی پلیس بکار گرفته می‌شود با این ایراد مواجه است که در یک فضای کاملاً احساسی و اتهامی صورت می‌گیرد. از طرفی

متهم اعم از اینکه مقصر باشد یا نه انگیزه زیادی برای عبور از این آزمون دارد. متأسفانه پلیس هم گاهی اصرار زیادی نه برای کشف حقیقت بلکه برای تحصیل یک نتیجه خاص از این آزمون دارد. با در نظر گرفتن بعضی خطرات یا خطاهای احتمالی این امکان به وجود می‌آید تا بازجو و بازجوشونده تمایل به تغییر و دستکاری در نتایج پلی‌گرافی داشته باشند. وقتی متهم دست بدین کار می‌زند از آن به عنوان اقدام متقابل یاد می‌شود و آنگاه که بازجو در صدد این کار بر می‌آید سوءاستفاده نامیده می‌شود. ممکن است از پیش راه‌های گذر از این آزمون به متهم آموزش داده شده باشند. اقدام متقابل در قالب تکنیک‌های ساده رفتاری می‌تواند با کمی کوشش محقق شود و عکس‌العمل‌های مناسبی را در برخورد با موارد مطرح شده به بار آورد. از طرفی دیگر، سوءاستفاده هم زمانی محقق می‌شود که بازجو موفق می‌شود به متهم بی‌تقصیر فرمان دهد تا پاسخ‌های مناسبی به موارد مطرح شده بدهد. این امر زمانی خطرناک‌تر می‌شود که این متهم به طور نامحسوسی از موارد مطرح شده اطلاعی ندارد. به تعبیری چنان در عمل انجام شده قرار می‌گیرد که گاه بدون اینکه متوجه باشد، مصاحبه‌کننده با جهت‌دهی ذهن او پاسخ‌ها و واکنش‌های او را در برابر سؤالات منطبق با حدس و گمان‌های خویش می‌سازد (Ben-shakhar, Bar-Hillel and kremnitze, 2002: 25).

در پاسخ به ایراد ذکر شده باید خاطر نشان کرد که هرگاه مدعی قرارگیری پلی‌گرافی در زمره یکی از دلایل اثبات دعوا باشیم باید شرایط لازم برای علمی قلمداد کردن آن موجود باشند. تشکیل گروهی از افراد متخصص در عرصه علم روان‌شناسی که بر تمام جوانب احاطه دارند و آموزش‌های لازم در زمینه این تکنیک به آنها داده شده است، راه‌حل مناسبی برای اجتناب از اعمال سلیقه‌های شخصی افراد در مواجهه با یافته‌های آنان درباره افراد درگیر در این آزمون خواهد بود. اگر ضوابط از پیش تعیین شده‌ای بر جریان آزمون پلی‌گرافی حاکم باشند و برای تحلیل خروجی‌های آن در چارچوب خاصی قواعد و اصولی پایه‌ریزی شده باشند که مصاحبه‌کننده مکلف به رعایت آنها باشد، تصور تفسیرهای متفاوت از نتیجه محلی از اعراب نخواهد داشت. افزون بر این، زندگی اجتماعی افراد بیش از پیش با تکنولوژی آمیخته شده و دستاوردهای بی‌شماری در حوزه‌های گوناگون به بار آمده است.

علوم رایانه‌ای می‌توانند در تحلیل نتایج پلی‌گرافی ضریب خطا را به کمترین حد برسانند. بدین ترتیب که الگوریتم‌های رایانه‌ای و هوش مصنوعی برای تفسیر داده‌ها مد نظر قرار گیرند تا به افزایش اعتبار این آزمون کمک کنند.

۴. جایگاه پلی‌گرافی در نظام ادله اثبات دعوا

به طور کلی، نظام‌های ادله اثبات دعوا به دو دسته نظام ادله قانونی و دلایل آزاد یا معنوی تقسیم شده‌اند. در نظام نخست، تنها دلایل مقرر در قانون کیفری مستند حکم واقع می‌شوند و مقام قضایی نباید خارج از محدوده قانونی عمل کند. در نظام معنوی مقام قضایی نقشی برجسته دارد و می‌تواند به هر دلیلی که با ایجاد علم برای وی متضمن کشف واقع باشد متمسک شود. در پی اکتشافات جدید و پیشرفت سریع علوم و تکنولوژی دلایل جدیدی موسوم به ادله علمی پا به عرصه دانش حقوق نهاده‌اند که می‌توان با بهره‌گیری از یافته‌های نو علوم مختلفی چون پزشکی، روان‌شناسی و جرم‌شناسی به قناعت وجدانی قاضی کمک کرد. در این قسمت برآنیم تا جایگاه پلی‌گرافی را در رابطه با هر یک از دو نظام ذکر شده در حقوق کیفری مشخص نماییم.

۴-۱. جایگاه پلی‌گرافی در نظام دلایل قانونی

این نظام با احصای ادله‌ای خاص به مقام قضایی اعلام می‌کند که فعالیت خود را در چارچوب قانون سازماندهی کند. قانونگذار ارزش اثباتی دلایل را تصریح کرده و اختیار ارزیابی آنها با قاضی نیست. در هر دادرسی با ارائه دلایل مصرح در قانون مشروط به رعایت تمام مقررات قانونی تحصیل آنها، قاضی ملزم است حکم خود را برپایه آن دلایل استوار کند و استناد به دلایلی دیگر در مقام محکوم نمودن متهم یا صدور حکم به نفع وی وجاهت قانونی نخواهد داشت. در واقع، در این نظام، هر دلیل خود موضوعیت یافته و نقش قاضی به احراز دلیل یا دلایل موردنظر قانونگذار تنزل می‌یابد، بدین معنا که قاضی به جای کشف حقیقت در پی یافتن دلایل مقرر در قانون است (طهماسبی، ۱۳۹۶: ۲۸۵).

طبق ماده ۱۶۰ قانون مجازات اسلامی اقرار، شهادت، قسامه، سوگند و علم قاضی به عنوان دلایل قانونی اثبات دعوی کیفری به شمار می آیند. لذا در دعوی کیفری تنها همین دلایل باید مستند حکم قرار گیرند و هر اقدامی خارج از این چارچوب قابل پذیرش نخواهد بود. در حالی که می دانیم با پیشرفت روز افزون تکنولوژی و تغییرات پدید آمده در ابعاد مختلف علوم، نظام حقوقی هر جامعه هم باید در این مسیر پیش رود. دلایل علمی که از خلال آزمایش ها و تکرار آزمون و خطا تحصیل می شوند و اعتبار آنها مستلزم بهره گیری از ضوابط و استانداردهای مختص علم مربوط است، شایسته توجهی درخور هستند. همانطور که ادله سنتی نظیر اقرار و شهادت یا سوگند پس از سالیان متمادی همچنان مد نظر قانونگذار هستند و مقام قضایی برای حل دعوی کیفری از آنها استفاده می کند، بایسته است که ادله علمی چون پلی گرافی نیز مورد عنایت واقع شوند و قانونگذار آنها را در زمره یکی از ادله اثبات دعوا قلمداد کند. هر چند ممکن است برخی علمی بودن پلی گرافی را مردود بدانند و بدین علت موافق با دلیل محسوب کردن آن نباشند، می توان با بکارگیری برخی راهکارها در حین برگزاری آزمون و تحلیل یافته های حاصل از آن نظیر افزایش مهارت های لازم آزمون گر، آموزش حقوق و اخلاق مرتبط با پلی گرافی و تکنیک های مصاحبه و بازجویی، خصیصه علمی بودن آن را قوت بخشید. با توجه به اینکه پلی گرافی در ماده ۱۶۰ ق.م.ا به منزله یکی از ادله اثبات دعوا نیامده است، لازم است پس از فراهم کردن بسترهای لازم برای پذیرش پلی گرافی چه در نظام پلیس قضایی و چه در نظام دادرسی کیفری، با اصلاح قانون آن را دلیلی در عداد سایر دلایل مقرر به شمار آورد.

۲-۴. جایگاه پلی گرافی در نظام دلایل آزاد (معنوی)

موضع سخت گیرانه در باب انحصار شیوه های اثبات دعوا به دلایل مصرح در قانون نه تنها با ایجاد برخی محدودیت ها، دادرس را از رسیدن به واقعیت باز می داشت بلکه در بسیاری از جرایم راه گریزی را برای عده ای از مجرمان فراهم می ساخت. همچنین، مصلحت عمومی، منافع جمعی و نظم عمومی جامعه که قانونگذار با اتخاذ واکنش کیفری در صدد حفظ آنها است ممکن بود در پرتو نظام مذکور به دست فراموشی سپرده شوند. ماهیت پیچیده رفتارهای

مجرمانه و تغییرات مستمر در نحوه ارتکاب آنها و نیز تقلای بزهکاران در امحای آثار جرم و اخفای ادله موجود ناتوانی نظام ادله قانونی را آشکار می‌ساخت و مقتضی گسترش قلمرو ادله اثبات دعوا بود. لذا به مرور زمان پایه‌های نظام ادله معنوی بنا نهاده شد. در نتیجه پیدایش نظام آزاد دلایل، دست مقام قضایی در کسب هر نوع دلیلی که با رفع ابهامات موجود راهنمای او در احراز حقیقت باشد باز می‌شود و اقناع وجدان قاضی مرکز ثقل دادرسی کیفری قرار می‌گیرد.

آزادی دلیل بدین معناست که اولاً دادرس بتواند تمام قرائن و امارات و دلایل را با اختیار کامل و با رعایت اصول و قواعد قانونی جمع‌آوری کند، سپس با ارزیابی آزادانه آنها، واقعیت‌های مورد نظر را احراز کند و به استناد آن حکم صادر نماید (طهماسبی، ۱۳۹۴: ۲۸۸). در دعاوی کیفری، مقصود اثبات عناصر سازنده جرم و تشخیص وارد بودن اتهام انتسابی به متهم است. لذا نمی‌توان از قبل دلایل اثبات یا نفی اتهام را محدود نمود. مقام قضایی باید این اختیار را داشته باشد تا بتواند با فراغ بال از هر طریق مشروعی که امکان دارد به جمع‌آوری ادله بپردازد، چراکه سازکار نظام اثبات معنوی این است که به دادرس اختیار تام و آزادی عمل داده شود تا بتواند از طریق ارزیابی هر دلیل قانونی یا تحصیل دلیل جدید، با دلایلی فراتر از ادله محصور، تکلیف دعوای مطروحه را معین نماید.

تنها محدودیت حاکم بر اصل آزادی دلیل، استفاده از طرق غیرقانونی برای تحصیل و بهره‌برداری از دلیل است. مقام قضایی اجازه ندارد در رسیدن به حقیقت از شیوه‌های نامشروعی که متضمن نقض حقوق اساسی و آزادی‌های مسلم افراد است بهره‌گیرد. از این رو، از اصل درستکاری در تحصیل دلیل سخن گفته شده که اقتضاء دارد ضابطان و مراجع قضایی از فریب و صحنه‌سازی یا وعده و قول و تهدید پرهیزند و در جمع‌آوری دلایل به گونه‌ای عمل کنند که حقوق متهم و کرامت انسانی او در جریان فرآیند کیفری حفظ گردد. در نظام دلایل آزاد که اقناع وجدانی قاضی برای اثبات مجرمیت متهم لازم است، حصول علم در او شرط اثبات جرم است و با توجه به اصل آزادی دلیل، هر دلیلی می‌تواند موجد این علم باشد. پس بازگشت همه دلایل به علم قاضی است (خالقی، ۱۳۹۵: ۱۶۶).

در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، علم قاضی هم عرض با چهار دلیل دیگر در عداد ادله اثبات دعوی کیفری آمده است. به موجب ماده ۲۱۱ این قانون «علم قاضی عبارت از یقین حاصل از مستندات بین در امری است که نزد وی مطرح می شود. در مواردی که مستند حکم علم قاضی است، وی مکلف است قرائن و امارات بین مستند علم خود را به طور صریح در حکم قید نماید». در تبصره ماده فوق آمده است مواردی از قبیل نظریه کارشناس، معاینه محل، تحقیقات محلی، اظهارات مطلع، گزارش ضابطان قضایی و سایر قرائن و امارات می توانند مستند علم قاضی قرار گیرند.

علم قاضی نسبت به موضوع مورد مناقشه ممکن است از طریق مشاهده عینی صحنه جرم، تفتیش محل سکونت، مشاهده آثار و ادوات جرم، مطالعه علوم و یا یک سلسله استنتاجات و یا از طریق مطالعه پرونده و توضیحات ارائه شده در خلال دادرسی و ادله ابرازی طرفین حاصل شود. در نظام ادله معنوی دادرسی در بررسی و ارزیابی دلایل موجود در پرونده به وجدان و ندای درونی خویش تکیه می کند و هیچ یک از وسایل دفاعی ارائه شده از سوی کنشگران دادرسی کیفری باعث نمی شود او چشم خود را بر روی حقایق ببندد و هر چه بتواند عنصر سازنده علم قاضی باشد دست آویزی برای او خواهد شد تا در وصول به حقیقت از تمام نشانه های موجود استفاده لازم را بنماید. در تقویت این نظر می توان به رأی کمیسیون مشورتی اداره حقوقی اشاره کرد که به موجب آن در امور جزایی مدارک و دلایل احصاء شده محدود نیستند و قاضی تحقیق یا دادرسی دادگاه جزایی در کشف حقیقت و حصول یقین از هر امر و نشانه ای می تواند به عنوان دلیل و مدرک استفاده کند و ارزش دلایل هم با تطبیق به اوضاع و احوال خاص هر مورد بسته به نظر قاضی است. از آنجا که در نظام مورد بحث همه دلایل بدون داشتن موضوعیت خود طریقی برای وصول به حقیقت هستند، در خصوص پلی گرافی باید گفت که همانند دیگر ادله علمی می تواند به عنوان مصداق مستندات بین برای دادرسی در قناعت وجدان او مؤثر باشد مشروط به اینکه اولاً شخص با رضایت آزاد خود را در معرض این آزمون قرار بدهد و هیچ نوع اجباری نسبت به وی صورت نگرفته باشد؛ ثانیاً پرسش ها با رعایت استانداردهای لازم توسط متخصصان علم روان شناسی طراحی شده باشند؛ ثالثاً مصاحبه کننده با تکنیک های خاص استفاده از

پلی‌گرافی آشنا باشد و حقوق اساسی فرد را رعایت نماید و در تحلیل نتیجه آزمون الگوریتم‌های رایانه‌ای و دستاوردهای هوش مصنوعی ملاحظه شوند.

اگر بپذیریم که پلی‌گرافی می‌تواند با ایجاد علم برای مقامات قضایی در ایقان وجدان آنها نقش داشته باشد، جایی که متهم با انگیزه نامشروع و با هدف خلاصی یافتن دیگری از محاکمه به دروغ اقرار به ارتکاب جرم می‌کند یا به ناحق شاهدانی را معرفی می‌کند تا خودش را از فرآیند دادرسی کیفری رهایی بخشد یا برعکس آنجا که شهادت یا سوگند دروغ‌آمیز بار ارتکاب جرم را به دوش متهم بی‌گناه می‌اندازد و او هیچ دلیلی به نفع خویش ندارد تا اثر آن دو را خنثی کند، پلی‌گرافی می‌تواند به یاری دادرسی آید و به او کمک نماید تا با یقین حاصل، از پذیرش آن ادله غیر واقع امتناع نماید.

بی‌اعتباری دلایل در صورت علم قاضی به نامشروع بودن آنها در قانون مجازات اسلامی مورد تصریح قرار گرفته است. مطابق با ماده ۱۷۱ قانون مجازات اسلامی هرگاه متهم اقرار به ارتکاب جرم کند، اقرار وی معتبر است و نوبت به ادله دیگر نمی‌رسد، مگر اینکه با بررسی قاضی رسیدگی‌کننده قرائن و امارات برخلاف مفاد اقرار باشند که در این صورت دادگاه، تحقیق و بررسی لازم را انجام می‌دهد و قرائن و امارات مخالف اقرار را در رأی ذکر می‌کند. همین رویه در مورد شهادت در ماده ۱۸۷ همان قانون تکرار شده است. مستند به این ماده در شهادت شرعی نباید علم به خلاف مفاد شهادت وجود داشته باشد. هرگاه قرائن و امارات بر خلاف مفاد شهادت شرعی باشند، دادگاه تحقیق و بررسی لازم را انجام می‌دهد و در صورتی که به خلاف واقع بودن شهادت علم حاصل کند، شهادت معتبر نیست. نتیجه آنکه پلی‌گرافی می‌تواند ابزار سنجش دیگر ادله هم باشد. اگر قاضی با استفاده از علم خود بر اساس پلی‌گرافی بتواند با شواهد و قرائن موجود به اقناع وجدانی برسد که متهم قطعاً مرتکب جرم شده یا برعکس هیچ عمل خلاف قانونی از وی سر نزده یا شهادت و سوگندها خواه به نفع متهم یا شاکی خلاف حقیقت هستند، آن دلایل قابل استناد نخواهند بود و قاضی با توجه به علم خود و ذکر مستندات حاصل از پلی‌گرافی، رأی بر محکومیت یا برائت خواهد داد.

نکته بااهمیت در این است که جرایم از حیث میزان اهمیت درجات متفاوتی دارند. پاره‌ای از آنها تمامیت جسمانی و جان را نشانه می‌روند. طیف این جرایم می‌تواند از جنایت

بر نفس تا جنایت بر اعضاء متغیر باشد. در مواردی که شخص با ارتکاب رفتاری حیات دیگری را از وی سلب می‌کند و دستگاه عدالت قضایی به او مظنون می‌شود، اما با اظهارات ضدّ و نقیض سعی در رهایی دارد یا جایی که افراد با تبانی با یکدیگر به جای معرفی مرتکب واقعی او را از گرفتار شدن در محاکمه کیفری نجات می‌دهند و دیگری را به ناحق با نظام قضایی مواجه می‌سازند، می‌توان از دروغ‌سنجی بهره گرفت. همچنین، در نزاع‌های دسته‌جمعی که مرتکب اصلی جرایم قابل تعیین نیست و هر یک تلاش می‌کند تا اتهام را به گردن دیگری بیندازد و گاه برای نیل به این منظور دروغ را دستاویز خود قرار می‌دهد، نقش پلی‌گرافی می‌تواند پررنگ باشد. برخی جرایم هستند که حیثیت معنوی افراد را نیز خدشه‌دار می‌کنند، که بارزترین آنها جرایم جنسی هستند که بزه‌دیده با اجبار تن به خواسته‌های نامشروع متجاوز می‌دهد. در این جرایم نیز می‌توان از آزمون دروغ‌سنجی بهره گرفت. فردی که در جایگاه متهم قرار می‌گیرد همواره در صدد انکار بزه انتسابی است که در بسیاری موارد این امر صحت ندارد ولی فرد به خاطر رهایی از موقعیت پیش آمده به انواع دروغ متوسل می‌شود. لذا در کنار سایر دلایل موجود در پرونده آزمون پلی‌گرافی می‌تواند در ایجاد علم برای مقام قضایی مبنی بر صحت رفتار انتسابی یا عدم صحت آن مؤثر واقع شود. این راه‌حل در پرونده‌های رابطه نامشروع سهم قابل توجهی دارد که در آن مادر کودک نامشروع فردی را به عنوان پدر جنین یا نوزاد متولد شده متهم می‌کند. احتمال دارد متهم روابط جنسی با مادر را بپذیرد ولی ممکن است اظهار کند که دیگری هم در دوران بارداری با مادر رابطه جنسی داشته و شاید پدر طفل دیگری باشد. از آزمایش خون کودک و پدر ادعا شده فقط در موارد استثناء آن هم جایی که گروه خونی آن دو با هم متفاوت باشد می‌توان استفاده کرد، در حالی که اگر گروه خونی متهم با کودک یکی باشد این بدان معناست که متهم فقط یکی از هزاران فردی است که با داشتن همان گروه خونی می‌تواند پدر طفل باشد، حال آنکه بکارگیری دروغ‌سنج نسبت به مادر و اعتراف او به برقراری رابطه با دیگران حقیقت داشتن ارتباط او با مردانی دیگر را در طول بارداری آشکار می‌کند. در مواردی هم که قتلی به وقوع می‌پیوندد خواه در اثر تصادف یا خفگی می‌توان از پلی‌گرافی استفاده کرد (John E.Reid, 1954: 38). همچنین، نسبت به جرایمی که علیه اموال یا امنیت و آسایش رخ می‌دهند، اگر

بتوان با نتایج مکتسبه از آزمون پلی‌گرافی حقیقت را دریافت و به مقام قضایی در احراز حقیقت کمک کرد، استفاده از آن بلاشکال است. لذا دیگر نوع جرم اهمیت چندانی نخواهد داشت و دامنه کاربرد این تکنیک را نمی‌توان محدود به جرایمی خاص کرد. فلسفه مهم دسترسی به پلی‌گرافی ایجاد یک اماره برای قاضی یا ایجاب علم برای وی نسبت به حقیقت کتمان‌شده، کاهش موارد دور زدن قانون و فریب دستگاه قضایی و به حداکثر رسانیدن کشف حقیقت است که خود می‌تواند شائبه انحصار آن به برخی جرایم را منتفی نماید.

نتیجه

در خصوص بهره‌گیری از پلی‌گرافی در مراحل مختلف آیین دادرسی کیفری رویکردهای متفاوتی اتخاذ شده است. رویه معمول در نظام قضایی برخی کشورها به این سمت سوق یافته که از پلی‌گرافی به عنوان ابزاری در راستای سنجش صحت اظهارات متهم استفاده کنند. حال آنکه دیگر نظام‌های حقوقی توسل به این شیوه را مغایر با برخی حقوق مسلم افراد پنداشته و از پذیرش آن اجتناب نموده‌اند.

پذیرش پلی‌گرافی به عنوان دلیل اثبات دعوای کیفری مستلزم توجه به نکاتی است: یکم اینکه بکارگیری روش‌های علمی با کمک متخصصان حوزه‌های مختلفی چون روان‌شناسی، جرم‌شناسی و سایر علوم می‌تواند به علمی شدن فناوری دروغ‌سنجی کمک کنند ضروری است و این امر منجر به افزایش میزان اعتبار آن می‌گردد. دوم اینکه انجام پلی‌گرافی با رضایت فرد باشد و قبل از آزمون حق دسترسی به وکیل به وی داده شود و پلیس یا وکیل او پیامدهای جسمی، عاطفی و حقوقی آزمون را برای وی شرح دهند تا وی با آگاهی بتواند موافقت یا مخالفت خود را اعلام نماید. سوم اینکه ثبت داده‌های حاصل از پلی‌گرافی باید با حضور یک نفر حقوقدان انجام شود. چهارم اینکه تحلیل خروجی‌های حاصل از پلی‌گرافی با کمک الگوریتم‌های رایانه‌ای صورت گیرد تا درصد خطاپذیری آن به حداقل برسد. با این پیش‌فرض‌ها می‌توان با بازنگری در قانون مجازات اسلامی پلی‌گرافی را به عنوان یک دلیل مستقل پیش‌بینی کرد. حتی اگر این نظر با استقبال هم‌روبرو نشود این امکان وجود

دارد تا نتیجه حاصل از دروغ‌سنجی به منزله یکی از مستندات بین که ایقان وجدان قاضی را در پی دارد محسوب شود. یکی از ابزارهای مورد نیاز برای آزمون دروغ‌سنجی دستگاهی به نام پلی‌گراف است که خود دارای اجزایی است. لذا باید این وسیله را در اختیار داشت تا بتوان این آزمون را برگزار کرد. بدیهی است که استفاده صحیح از هر ابزار نیازمند در اختیار داشتن اطلاعات دقیق درباره آن است که این موضوع نیازمند آموزش افرادی است که بتوانند به تمام جوانب امر احاطه پیدا کنند. پس می‌توان با آموزش دادن افرادی که بتوانند ضمن داشتن آشنایی کافی به دانش‌های مورد نیاز به ویژه علم روان‌شناسی و حقوق در تحلیل داده‌ها و اطلاعات به دست آمده از آزمون دروغ‌سنجی در نتیجه طرح سؤالات هدفمند مبتنی بر علم روان‌شناسی و روان‌کاوی و تحریک فعالیت‌های فکری فرد سهیم باشند، کار کرد و نقش تکنیک مذکور را به حد اعتلای خود رساند و از تحمیل هزینه‌های اضافی بر دستگاه عدالت کیفری کاست.

بر این اساس، در دادرسی کیفری می‌توان از پلی‌گرافی برای تأیید و تصدیق اظهارات متهم، شاکی و شهود استفاده کرد و با سرعت بخشیدن به روند بازجویی از طریق غربالگری افراد بی‌گناه در مواجهه با مظنونان متعدد گامی در جهت مقرون به صرفه کردن این روند و کاهش هزینه‌های تحمیلی به دستگاه قضایی برداشت. به علاوه، در جرایم یقه‌سفیدی می‌توان با انجام بازجویی علمی از متهمان، حقیقت را کشف نمود و به این طریق با جمع میان حقوق بزه‌دیده و جامعه در تحقق عدالت کوشید. اگر قانونگذار از تکنیک پلی‌گرافی استقبال کند می‌تواند زمینه اجرایی شدن این تکنیک را در ایران مهیا کند، چنانکه در نظام‌های حقوقی سایر کشورها این موضوع به نحو بارزی مورد پذیرش قرار گرفته است.

ORCID

Mirreza salimi  <http://orcid.org/0000-0001-9751-0354>

Rajab Goldust Jouybari  <http://orcid.org/0000-0002-1345-5660>

منابع

الف. فارسی

ابوطالبی-وحید، تجزیه و تحلیل مؤلفه های شناختی سیگنال الکتریکی مغز و کاربرد آن در دروغ سنجی، پایان نامه دکتری، دانشکده مهندسی پزشکی امیرکبیر، ۱۳۸۵
افشار-لیلا و نعمتی-علی، حریم خصوصی در پژوهش های معطوف به انسان بر مبنای آموزه های اسلامی، مجله راهبرد فرهنگ، شماره هشتم و نهم، زمستان ۸۸ و بهار ۸۹
الصجیری، کاظم، جریمه التعذیب فی قانون العقوبات، بیروت: منشورات زین الحقوقیه، ۲۰۱۵
التاویلا-انریکو، روانشناسی قضایی، ترجمه مهدی کی نیا، جلد اول و دوم، انتشارات مجد ۱۳۸۹،

آشوری، محمد، آیین دادرسی کیفری، جلد اول، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۹۱
آقا بابایی-حسین و احمدی ناطور-زهرا، فناوری دروغ سنجی، تهدیدی بر علیه حریم خصوصی، پژوهش نامه حقوق کیفری، سال سوم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۱
پورزند مقدم-پژمان، مطالعه تئوری تحصیل دلیل در دادرسی کیفری، پایان نامه ارشد، قم، دانشگاه تهران، ۱۳۷۹

تدین-عباس، تحصیل دلیل در آیین دادرسی کیفری، تهران: نشر میزان، ۱۳۸۸.
جی.آر. اسپنسر، آیین دادرسی کیفری در انگلستان. ترجمه محمدرضا گودرزی و لیلا مقدادی، چاپ اول، تهران: انتشارات جنگل، ۱۳۸۴

حبیب زاده-محمد جعفر، جزوه درسی حقوق کیفری در اسناد بین المللی حقوق بشری، دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس، رشته حقوق جزا و جرم شناسی، ۱۳۸۸.
حبیب زاده-محمد جعفر و صادقی-ولی الله، شناسایی و مدیریت حق سکوت متهم، مجله حقوقی دادگستری، سال هشتادم، شماره ۹۵، پاییز ۱۳۹۵

حیدری الهام و فتحی محمد جواد، گستره اصل آزادی تحصیل دلیل در دادرسی کیفری ایران و انگلستان، مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، دوره ششم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۳

- خالقی-علی، آیین دادرسی کیفری، جلد دوم، چاپ سی و یکم، مؤسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۵
- رجبی تاج امیر-ابراهیم، چالش ها و ساز و کارهای عملی رعایت حق سکوت در فرآیند بازجویی ضابطان دادگستری، مجله پژوهش های دانش انتظامی، شماره ۷۸، ۱۳۹۷
- رستمی تبریزی، لمیاء، روانشناسی جنایی، تهران: انتشارات مجد، ۱۳۸۸
- شاملو-باقر، اصل برائت کیفری در نظام های نوین دادرسی، (مجموعه مقالات در تجلیل از دکتر محمد آشوری)، چاپ اول، انتشارات سمت، ۱۳۸۱
- صانعی-پرویز، دستگاه های دروغ سنج، مجله حقوق امروز شماره ۱۴، اسفند ۱۳۴۳
- طاهری بجد-محمد علی، تعیین رژیم دلایل کیفری در نظام قضایی ایران، علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل از دکتر آشوری)، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۳
- طهماسبی-جوادی، ادله اثبات در آیین دادرسی کیفری، جلد سوم، چاپ اول، نشر میزان، ۱۳۹۶
- طهماسبی-جوادی، آیین دادرسی کیفری، جلد سوم، تهران: انتشارات میزان، ۱۳۹۴
- عبدالعال سلطان، الحق فی الصمت اثناء التحقیقات الجنائیه، القاہرہ: دار النهضه العربیہ، ۲۰۰۹
- عبدالمجید عبدالهادی السعدون، استجواب المتهم، دراسه مقارنه، رساله دکتوراہ مقدمه الی کلیه القانون بجامعة بغداد، ۱۹۹۲
- قربانی-علی، بررسی رویه قضایی دادگاه اروپایی حقوق بشر در زمینه حق آزادی و امنیت و حق بر دادرسی منصفانه". رساله دکتری دانشگاه تهران، ۱۳۸۴
- گلدوزیان-ایرج، گفتارهایی در حقوق کیفری، چاپ اول، نشر دادگستر، ۱۳۷۵
- موحدی-جعفر، معکوس کردن بار اثبات دلیل در آیین دادرسی کیفری، تهران: انتشارات مجد، ۱۳۹۳
- نجفی ابرند آبادی-علی حسین، درآمدی بر پژوهش در نظام عدالت کیفری: فرصتها و چالشها، ماهنامه قضاوت مرداد و شهریور ۹۱ شماره ۷۷
- نمک دوست-حسن، اخلاق حرفه ای، حریم خصوصی و حق دسترسی به اطلاعات، مجله رسانه، شماره ۶۶، ۱۳۸۵
- یونسی هروی-محمد امین؛ آذرنوش-مهدی و صرافان-رسول، تشخیص دروغ با به کار گیری سیگنال حجم خون شریانی در پلی گرافی و با استفاده از تفکیک کننده خطی در نرم افزار متلب، نشریه پزشکی قانونی، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۴

یونسی هروی-محمد امین و صرافان-رسول، کمی سازی سطح استرس به منظور تشخیص جرم با استفاده از سیگنال های حجم خون و مقاومت الکتریکی پوست، مجله طب نظامی، سال پانزدهم، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۲

الف. انگلیسی

- Alder, K, A social history of untruth: Lie detection and trust in twentieth-century America. *Representation*,80(1), doi:10.1525/rep2002
- David Archard, privacy, The public interest And The prurient public, *Media Ethics*, 1998
- Daniel, solve, *Understanding privacy*, Harvard university press, London, England,2008
- Garner, Bryan A. editor: *Black Law Dictionary; Eighth Edition*, Thomson West, USA, 2004
- Dr. Ganapati M. Tarase*, Dr. Prakash D. Haveripeth & Dr. M. S. Ramadurg *Scientific And Legal Procedure of polygraph Testprganapatim. Tarase, Criminology and Forensic science,2013, p14*
- Gershon Ben-shakhar, Maya Bar-Hillel and Mordechai kremnitze, *Trial by polygraph: Reconsidering the use of Guilty knowledge Technique in court, Law and human behavior, vol 26, No 5,2002*
- Grubin, D & Madsen, L, *Lie detection and the polygraph: Ahistorical review, journal of forensic psychiatry& psychology, 2005*
- John E.Rei, d *The Lie Detector in court Depaul Law Review, Volume4, Issue1, 1954, p37*
- John Synnott, David Dietzel and Maria Ioannou *A review of the polygraph: history, methodology and current status, John Synnott, Crime Psychology Review, Vol. 1 No 1 ,2015*
- Larson, J.A. Heancey, G.W.Keeler,L, *Lying and its detection:Astudy of deception and deception tests,University of Chicago Press,1932*
- Olsen D.E, Harris, j .c, Capps, M.H, Ansley, N, Johnson, G. j, *Computerized polygraph scorning system, 1995*
- paubert. Paucic Giannelli, *Polygraph evidence, vol 49, Issue4, 1998, p903*
- polygraph Test and its Legal Implication in Indian criminal justice system, chapterVI*
- ۱۹۹۷
- wolpe,p, Foster,K,Lang leben,D ,*Emerging Neurotechnologies for Lie-Detection Promises and Perils, The American Journal of Bioethics,2005*

Police rely on polygraph test in unsolved murder cases atwww.

Legislative.com (visited on date4/12/1014

An demy of polygraph (Lie Detector) Examiners available
at.www.Jtore.org/stable/1139596,2014

استناد به این مقاله: سلیمی, میررضا, گلدوست جویباری, رجب. (۱۴۰۰). جایگاه پلی گرافی در نظام ادله کیفری ایران. فصلنامه پژوهش حقوق کیفری, ۱۰(۳۷), ۶۵-۱۰۰. doi: 10.22054/jclr.2021.52672.2124



Criminal Law Research is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.